

امیر سید کلال بود در عهد الله سبحانه واستغراق تمام داشت وی را بقضای
 بخارا تکلیف کرده بود اندک محکمه وی حاضر می شد در مقام بلای
 پیغم بود که من وی را می دیدم و وی مرا می دید با جمعی ششم و نظاره وی میکرد
 هرگز از وی زهوی و قنوی نمی کرد و هر ایشا را می نمودند که خدمت
 مولانا حسام الدین رحمه الله می گفت که اینک از راهیج لباسی را داشته ام با ده
 و استغفاره در صورت اهل علم بهتر نیست و هم ایشان فرمودند که خواجه
 قدس سره در خواب دید که در من تصرف کردند و من بخود پیشتادم چون با خود
 آمدم خواجه از من گذشته بود در خواستم که در عقب پروم پایهای من در هم
 می پیچید و بخت سیمای خواجه رسید فرمودند که مبارک باد و هم ایشان
 فرمودند که یکبار دیگر خواجه محمد با رسا را قدس سره در خواب دید
 خواست که در من تصرف کند اما میسر نشد هما تا که چنان آمده باشد که
 خواجه بر نهد تصرف کرده بودند از تقی در زمانی که با رسا رسید و پیشتر
 خدمت مولانا حسام الدین و مولانا حمید الدین شای مشرف شده درین
 فیه را ضطرار و اضطرار بود ایشان فرمودند که مراقبه بحقیقت انشاز
 حقیقت مراقبه عبارت ازین انشاز است نهایت سیر عبارت از حصول
 این انشاز است بعد از تحقیق باین چنین انشاز که ظهورش از غلبه محبت
 دانه خراج انشاز نیست اینک کرده از دست کز نام هم اینک

اینک که در من تصرف کردند و من بخود پیشتادم چون با خود
 آمدم خواجه از من گذشته بود در خواستم که در عقب پروم پایهای من در هم
 می پیچید و بخت سیمای خواجه رسید فرمودند که مبارک باد و هم ایشان
 فرمودند که یکبار دیگر خواجه محمد با رسا را قدس سره در خواب دید
 خواست که در من تصرف کند اما میسر نشد هما تا که چنان آمده باشد که
 خواجه بر نهد تصرف کرده بودند از تقی در زمانی که با رسا رسید و پیشتر
 خدمت مولانا حسام الدین و مولانا حمید الدین شای مشرف شده درین
 فیه را ضطرار و اضطرار بود ایشان فرمودند که مراقبه بحقیقت انشاز
 حقیقت مراقبه عبارت ازین انشاز است نهایت سیر عبارت از حصول
 این انشاز است بعد از تحقیق باین چنین انشاز که ظهورش از غلبه محبت
 دانه خراج انشاز نیست اینک کرده از دست کز نام هم اینک

همه

همه که اندر کار هر روز آسمان نسبت به شتر آمد فرود و زنده بود حالت
 پیش خاک بود چون امثال ما فقیه را از طریق ذوق دریافت این معنی
 نیست گرفتاری یا چنین گفت و کوی شیرین تری نماید داشتغالی بعین
 این گفت و زقت الله و آیا که انتظار به یغینا عتیا بحیرت محمد صلی الله علیه و آله
 از ذکر بعض احوال و احوال خانه واده خواب حسان و پیمان روش و طریقت ایشان
 بتخصیص خدمت خواجه بهاء الدین و احتیاج ایشان قدس سره تعالی سر راه
 معلوم شد که طریقه اعتقاد اهل سنت و جماعت است و طاعت است و شریعت
 و اتباع سنن سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و دعای عبودیت که عبارت است
 از و الله اکبر محراب حق سبحانه فی عزامت شعوب و وجود عیسی پسر کریم
 که فی این عزیزان کنند بواسطه آن تواند بود که ظلمت هوا و بدعت ظاهر و باطن
 ایشان زایل و گرفته است و مدجسد و عصیت دیده بصیرت ایشان را گوی
 لایزال و اهدایت و آثار ولایت ایشان را ندیدند و این ناپسندایی خود را
 بخود و انکار آن انوار و آثار که از مشرق تا مغرب گرفته است اظهار کنند
 هیئات هیئات نظم نقش نیاید عجب قافله سالار باشند که بر نماند نهان
 بجه قافله را قاصری کز ندان بایضه را طغر قشور حاش الله که برادر
 بزبان اینک از دل سالک ره جاذبه صحتشان می برد و سوسه
 خلوت و کجمله را همه شبران جهان بسته از سله الله رویه از